

( 28 )

از یمین عرش نازل

انشاء الله الرحمن باید ناس را در کل احیان بشریعه الهیه دلالت نمائید که شاید بمواعظ حسنه نفوس غافله مریبه بشطر احدیه توجه کنند

یا نبیل قم علی خدمة مولیک القديم بقلبک و بصرک و سمعک و لسانک و کل ارکانک كذلك امرک من کان جالسا علی قطب البلیایا و الرزایا اجعل رجلیک من الحديد فی امری و لسانک سیفا ذا فمین فی ذکرى و ثنائى و بصرک ناظرا الی شطرى و قلبک متوجها الی جمالی المشرق المنیر قم بین الاخیار و الاشرار باسم ربک العزیز المختار ثم اضرم فی قلوبهم نار ذکرى و ثنائى لیزداد به الاول و يتوجه به الآخر كذلك یأمرک سلطان القدر من هذا المنظر الاکبر ابرء النفوس من داء الغفلة و الهوى باسمى العلی الابهی طوبى لک بما حضر منک ما نطق به لسان القدم علی ذکرک فی هذا السجن الذی فیہ استقر عرش رحمة ربک العلی العظیم

باید برآفت کبری با عباد سلوک فرمائید و بکمال حکمت و عطوفت جمیع را بر شاطی بحر اعظم جمع نمائید بقسمیکه ابدأ رائحه اختلاف ما بین احباء الله مرور ننماید و اگر نفسی غافل شد و محتجب ماند او را بمواعظ و نصائح متذکر دارید لعله یتذکر او یخشی منظور نظر آن باشد که جمیع من علی الارض را در سراق احدیه وارد فرمائید این ایام بعد از ورود سجن اعظم اراده الهیه بآن تعلق یافته که جمیع بریه را بشاطی احدیه مجددا باعلی النداء ندا فرماید لذا مخصوص هر نفسی از رؤسای ارض لوحی مخصوص از سماء مشیت نازل و هر کدام باسمی موسوم الاول بالصیحة و الثانى بالقارعة و الثالث بالحاقة و الرابع بالساهرة و الخامس بالطامة و كذلك بالصاخة و الازفة و الفرع الاکبر و الصور و الناقور و امثالها تا جمیع اهل ارض یقین نمایند و ببصر ظاهر و باطن مشاهده کنند که مالک اسماء در هر حال غالب بر کل بوده و خواهد بود بلایا و محن سلطان سر و علن را از اظهار امر منع نموده و نخواهد نمود لعمرك فی بحبوحه البلاء من افق السجن اظهرنا الوجه مشرقا بین العالمین و دعونا الكل الی الله المقتدر العزیز الحکیم و لکن بعد از اشراق این امور محتومه از افق امر مالک بریه جمیع در صدد افتاده اند و یلهثون و رآء ربک ان هم الا فی تبار و امر بغایت شدید شده بشأنیکه از ذکر و بیان خارج از ما یظهر من سلطان القدم قصد و فعل امم معلوم میشود دیگر احتیاج ذکر نیست از اول ابداع تا حال چنین تبلیغی جهرة واقع نشده ظهور قلم و مبشر جمال دو لوح فرستاده بودند و لکن جز اظهار سیادت و مظلومیت در آن چیزی نبوده نظر بمصلحت اصل امر را ستر فرمودند و فی الحقیقه تبلیغ کامل جهرة نشده بود لذا از مشرق مشیت اشراق شد آنچه لم یزل مراد الله بوده تعالی هذه القدرة التی اشرفت و احاطت العالمین و ظهور این عمل

از مالک علل دو اثر بخشیده هم سیوف مشرکین را حدید نموده و هم لسان مقبلین را در ذکر و ثنائش ناطق فرموده اینست اثر آن لواقحی که در لوح هیکل از قبل نازل شده حال ارض حامله مشهود زود است که اثمار منیعہ و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مشاهده شود تعالت نسمة قمیص ربک السبحان قد مرت و احیت طوبی للعارفین و این بسی معلوم و واضح که در این امور سلطان ظهور از برای خود مقصودی نداشته و مع علم بانکه سبب بلایا و علت رزایا و شدت امور خواهد شد محض عنایت و مرحمت و احیای اموات و اظهار امر مالک اسماء و صفات و نجات من علی الارض از راحت خود چشم پوشیده و حمل نمودیم آنچه را که احدی حمل ننموده و نخواهد نمود

یا نبیل لعمری الیوم یوم الاصغاء طوبی لسمع توجه الی الشطر الاعظم قم بسلطانی و امری بین خلقی ثم ذکرهم بما اطلعت من هذا النبأ الذی منه انشقت السماء و اندکت الجبال و ظهر الفرع الاکبر و خسف القمر و ظهرت الزلازل فی القبائل و سقطت النجوم و اظلم نیر الموهوم و غنت الوراقاء علی افنان سدرۃ المنتهی الملک لله ربک و رب العالمین اکتب للذین سکنوا ارض الخاء ثم ذکرهم بهذا الامر الذی احاط السموات و الارضین و لکن حال ایامی است که باید اصحاب حق باخلاق حق حرکت نمایند و صفات شیطانیه را باخلاق حمیده ربانیه تبدیل کنند لم یزل فساد ممنوع بوده و خواهد بود و در این ظهور اعظم کل امم از فساد ممنوع عند ابدای نفسی تعرض بنفسی ننماید و بر محاربه قیام نکند شأن اهل حق خضوع و خشوع و اخلاق حمیده بوده و خواهد بود دنیا قابل آن نه که انسان مرتکب امورات قبیحه شود و از مالک احدیه بعید ماند ان الدنیا تضحک علی مریدیها و تقول باعلی النداء مخاطبا ایاهم هل رأی احد مثلكم منی خیرا او وفاء؟ سوف نرجعکم الی التراب خائبین خاسرین کما رجعنا الاولین باید کل بنور هدایت و امانت و تقوی ما بین عباد مضیء و منیر باشند تا جمیع از آن سرچ نورانیه بشاطی بحر احدیه اقبال نمایند احفظ ما القینا الیک ثم اتل علی الامم باذن ربک مالک القدم لعلهم یدعون الهوی مقبلین الی الله مالک العرش و الثری كذلك نبیناک و قصصنا لک و القینا علیک و اخبرناک لتفرح و تقول لک الحمد یا من فی قبضتک جبروت الامر و الخلق و فی یمینک ملک السموات و الارضین اشکرک بما ذکرتنی فی السجن الاعظم و فصلت لی من کل شیء تفصیلا انک انت ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین لک الحمد یا مالک یوم الدین